

\* \* \*

Through Mirza Ahmad Esphahani  
To the Board of Council in New York

هو الله

ای یاران عزیز عبدالبهاء مکتوب مفصل که مرقوم نموده بودید رسید و بکمال دقت قرائت گردید از گلشن معانی نفحه معطره بمشام رسید و از عبارات و اشارات آثار خلوص نیت واضح گردید که الحمد لله هر یک از آن جمع مانند شمع روشنند و بنار محبت الله افروخته و از جهان و جهانیان دیده دوخته و پرده اوهام سوخته و کنز حقیقت اندوخته لسان شکرانه بدرگاه احدیت گشودم و پاک یزدان را حمد و ستایش نمودم که آن نفوس را موقف بر خدمت ملکوت نمود و چنین محفلی در نیویورک تشکیل گردیده که عاقبت سبب هدایت آن اقلیم گردد

در خصوص رجوع ثانوی حضرت مسیح مرقوم نموده بودید که در میان احبب اختلافست سبحان الله بکرات و مرات از قلم عبدالبهاء جاری و بنص صریح قاطع صادر که مقصود در نبوت از رب الجنود و مسیح موعود جمال مبارک و حضرت اعلی است و باید عقاید کلّ مرکوز بر این نصّ صریح قاطع باشد اما نام من عبدالبهاء ذات من عبدالبهاء صفت من عبدالبهاء حقیقت من عبدالبهاء ستایش من عبدالبهاء زیرا عبودیت جمال مبارک اکلیل جلیل من است و خدمت کلّ بشر آئین دیرین من از فضل و عنایت جمال مبارک عبدالبهاء رایت صلح اکبر است که در اوج اعلی موج زند و بموهبت اسم اعظم مصباح سلام عام است که بنور محبت الله درخشد منادی ملکوتست تا شرق و غرب را بیدار نماید و صوت دوستی و راستی و حقیقت پرستی و آشتی است که ولوله در آفاق انداخته و هیچ اسمی و رسمی و ذکری و نعتی جز عبدالبهاء ندارد و نخواهد داشت اینست آرزوی من و اینست اوج اعلای من و اینست غایت قصوای من و اینست حیات ابدیه من و اینست عزت سرمدیه من آنچه از قلم من جاری همان را بگوئید اینست تکلیف کلّ

لهذا باید یاران الهی در عبودیت حقّ و در خدمت بشر و خیرخواهی عالم انسانی و محبت و مهربانی رحمانی عبدالبهاء را موافقت و معاونت نمایند ای یاران الهی الفاظ بظهور جمال مبارک منسوخ شد و معانی مشهود گشت زمان مجاز گذشت و حقیقت جلوه نمود باید عبودیت مجسم شد و محبت مشخص گردید و روحانیت مصور شد و رحمانیت محقق سبب حیات گردید و غافلان را نجات داد نفوس را بکمالات انسانی خواند و امم را باتحاد و یگانگی دلالت کرد بیگانگی را بنیاد و اساس برانداخت و کلّ را یار و آشنا نمود این نفوس غافله را مانند اطفال خویش دید و در کمال محبت نوازش و تربیت نمود تا نادانان دانا گردند و کوران بینا شوند و کران شنوا گردند ای یاران الهی زنهار زنهار از اختلاف زیرا بنیان الهی از اختلاف برافتد و شجره مبارکه از اریاح اختلاف از ثمر بازماند گلشن توحید از زمهریر تباین افکار پژمرده گردد و نار محبت الله افسرده شود

ای یاران الهی عبدالبهاء مظهر عبودیت است نه مسیح خادم عالم انسانیت نه رئیس مفقود است نه موجود فانی محض است نه باقی و از این مباحث نتیجه و ثمری نه بلکه باید ما کلّ اینگونه مباحثات و منافسات را در کنار نهیم بلکه فراموش کنیم و آنچه که امروز واجب و لازم است قیام نمائیم زیرا این مباحث لفظ است نه معانی مجاز است نه حقیقت حقیقت واقع اینست که کلّ متحد و متفق شده این عالم ظلمانی را روشن نمائیم و این عداوت و بیگانگی بین بشر را بنیاد براندازیم بنفحات قدس خلق و خوی جمال ابهی جهان را معطر کنیم و بنور هدایت شرق و غرب را منور نمائیم خیمه محبت الله برافرازیم و جمیع را در سایه آن درآوریم و کلّ را در ظلّ شجره مبارکه راحت و آسایش بخشیم دشمن را از شدت مهربانی حیران کنیم و گرگان درنده

خونخوار را آهوان صحرای محبت الله نمائیم ظالم را حلاوت مظلومی بچشانیم و قاتل را تمکین و تسلیم مقتولان بیاموزیم آیات توحید منتشر نمائیم و محامد و نعوت ربّ جلیل ترتیل کنیم نعرهٔ یابهاء الأبھی باوج اعلی رسانیم و فریاد اشرفت الأرض بنور ربّها بمسامع اهل ملکوت رسانیم اینست حقیقت اینست هدایت اینست خدمت اینست علویّت عالم بشریّت ای احبّای الهی هر نفسی باید مردم را بعبودیّت عبدالبهاء خواند نه مسیحی و هیچ نفسی نباید سرّاً و جهراً مخالف و مبین تعالیم عمومی تنطق نماید و نباید عبدالبهاء را ظهور ثانوی مسیح داند بلکه او را مظهر عبودیّت و مرکز وحدت عالم انسانی شمرد و منادی حقّ در جمیع آفاق بقوهٔ روحانی داند و مبین کتاب بنصّ الهی شمرد و فدائی هر یک از احبّاء الله در این جهان فانی داند و این مکتوب را طبع نموده انتشار دهید و علیکم البهاء الأبھی ع ع